



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 44
Autumn 2025

Pages: 1-28

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2025.64747.2552

Received: 2024/12/10

Received in revised form: 2025/09/06

Accepted: 2025/09/22

Published: 2025/09/27

An Analysis of the Status of Gemstone Trade during the Ilkhanid and Timurid Periods

Seyyed Masoud Seyyed Bonakdar¹| Ali Reza Vaez²

Abstract

Gemstones played a significant role in the commercial relations of the Ilkhanid and Timurid periods. In some regions, markets developed around these valuable stones. The widespread use of gemstones among the general population—especially the elite—coupled with the relative stability and security of these periods, facilitated the growth and expansion of the gemstone trade. This study aims to examine the status of gemstone trade under the Ilkhanids and the Timurids, drawing on historical sources. The research has been conducted using a descriptive-analytical method, with data collected through library-based research. The findings indicate that several factors contributed to the prosperity of this trade, including the quality and variety of gemstones, strong demand in both domestic and foreign markets, Iran's strategic location along major trade routes, and the role of specialized merchants in setting prices. Although certain gemstone mines were lacking, Iran was rich in turquoise and pearls, which not only satisfied domestic demand but were also partially exported. During the Ilkhanid period, the gemstone trade was especially active in the western regions of Iran, while in the Timurid era, it flourished in the eastern regions. Most of the pearls harvested in Baghdad during the Ilkhanid period were graded and prepared for export. In the Timurid era, gemstone trade was prominent in cities such as Tabriz, Soltaniyeh, Samarkand, and Herat, with Samarkand and Herat holding particular significance. During this time, gemstone imports took place in Samarkand, while artists and craftsmen in Herat were key players in the industry.

Keywords: Gemstones, Trade, Ilkhanids, Timurids, Commercial markets.

1. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Iran (Corresponding Author)
sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir

2. Master of Arts in History of Islamic Iran, University of Isfahan, Iran
alireza.vaez1998@gmail.com



Publisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com



بررسی وضعیت تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی و تیموری

سیدمسعود سید بنکدار^۱ | علیرضا واعظ^۲

چکیده

سنگ‌های قیمتی در مناسبات تجاری دوره ایلخانی و تیموری جایگاه قابل‌توجهی داشته‌است. در برخی از مناطق بازارهایی پیرامون سنگ‌های گران‌بها پدید آمده بود. رواج استفاده از سنگ‌های قیمتی در میان مردم، به‌ویژه طبقات اشراف، همراه با امنیت و ثبات نسبی در این دوره‌ها، موجب شکل‌گیری تجارت آن‌ها شد. پژوهش پیش رو بر آن است تا با استفاده از منابع تاریخی به بررسی وضعیت تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی و تیموری بپردازد. روش پژوهش تاریخی و به شیوه توصیفی تحلیلی بوده و داده‌ها براساس روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد عواملی چون کیفیت و تنوع سنگ‌ها، تقاضای بالا در بازارهای داخلی و خارجی، موقعیت جغرافیایی ایران در مسیرهای تجاری، و نقش تاجران متخصص در قیمت‌گذاری، از مهم‌ترین علل رونق این تجارت بوده‌اند. با وجود فقدان برخی معادن سنگ‌های قیمتی، ایران از منابع غنی فیروزه و مروارید برخوردار بود که افزون بر تأمین نیاز داخلی، بخشی از آن صادر می‌شد. تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی بیشتر در نواحی غربی کشور و در دوره تیموری در نواحی شرقی از رونق زیادی برخوردار بوده‌است. در دوره ایلخانی بخش اعظم مروارید صیدشده در شهر بغداد جهت صادرات درجه‌بندی و آماده‌سازی می‌شد. تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموری نیز در شهرهایی چون تبریز، سلطانیه، سمرقند و هرات انجام می‌شد. در این میان سمرقند و هرات اهمیت بیشتری داشتند. در این دوره واردات سنگ‌های قیمتی در سمرقند صورت می‌گرفت و هنرمندان مرتبط با این حوزه در شهر هرات مشغول به فعالیت بودند.

کلیدواژه‌ها: سنگ‌های قیمتی، تجارت، ایلخانی، تیموری، بازارهای تجاری.

sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir

alireza.vaez1998@gmail.com

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، ایران



مقدمه

سنگ‌های قیمتی همواره در میان مردم و حکومت‌های ایران جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. موقعیت جغرافیایی ایران و نزدیکی آن به شاهراه‌های تجاری شرق و غرب، این سرزمین را به یکی از مراکز مهم در تجارت سنگ‌های گران‌بها تبدیل کرده‌است. این موقعیت موجب شکل‌گیری شبکه‌های تجاری داخلی و بین‌المللی در حوزه سنگ‌های قیمتی در دوران ایلخانی و تیموری شد (بیانی و امان‌اللهی وفایی، ۱۳۸۸: ۳).

در دوره ایلخانی و تیموری، حکومت‌ها دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به کارکرد و ارزش سنگ‌های قیمتی داشتند. شرایط سیاسی این دوران منجر به گسترش بازارها و مشاغل مرتبط با این سنگ‌ها در برخی شهرها شد. اقشار مختلف، به‌ویژه طبقات متمول، در تجارت و مبادله سنگ‌های قیمتی نقش مهمی داشتند. این سنگ‌ها نه تنها در مراودات اقتصادی و تجاری جایگاه ویژه‌ای داشتند، بلکه در صنایع وابسته نیز به کار می‌رفتند و موجب اشتغال‌زایی می‌شدند. همچنین، شیوه پرداخت و فناوری‌های مرتبط با فلزات و سنگ‌های گران‌بها تحولاتی را در این زمان طی کرده‌است و استفاده از روش‌هایی چون صیقل دادن، تراش کاری منجر به افزایش ارزش قیمتی آن می‌شده‌است (پوربختیاری و بحرانی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۴).

برخی از منابع دوره ایلخانی و تیموری به سنگ‌ها و فلزات قیمتی و خواص درمانی و سایر فواید و مصارف آن پرداخته که با عنوان جواهرنامه در حوزه کانی‌شناسی تألیف گردیده. منابعی همچون کتب جغرافیایی، تاریخی و سفرنامه‌ها نیز به معادن، روش‌های استخراج و وضعیت تجارت سنگ‌های قیمتی اشاره کرده‌اند. این پژوهش با تکیه بر منابع موجود، به بررسی وضعیت تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی و تیموری می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش است که چه عواملی موجب شکل‌گیری و توسعه تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره‌های ایلخانی و تیموری شدند؟

هرچند پژوهش‌هایی درباره تجارت سنگ‌های قیمتی انجام شده‌است، این مطالعات عموماً محدود و پراکنده بوده و نتوانسته‌اند به‌طور کامل عوامل مؤثر بر رونق تجارت این

سنگ‌ها در دوره‌های ایلخانی و تیموری را بررسی کنند. برای نمونه، پوربختیاری (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تولید و تجارت جواهرات از ابتدای دوره غزنویان تا پایان دوره ایلخانی» به مسائلی همچون استخراج، تولید و فنون پرداخت جواهرات پرداخته‌است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دوره ایلخانی اوج فعالیت‌های تولیدی در حوزه جواهرات بوده و میزان استخراج و تولید سنگ‌های قیمتی در این دوران افزایش یافته‌است. بااین‌حال، این تحقیق توجه چندانی به جایگاه بازارهای دوره ایلخانی و تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموری نداشته‌است. همچنین، پژوهش پوربختیاری و بحرانی‌پور (۱۳۹۵) با عنوان «سهم تبریز در رونق اقتصادی دوران ایلخانان با تکیه بر تجارت جواهرات» به نقش اقتصادی شهر تبریز در دوره ایلخانی پرداخته و نشان داده‌است که این شهر، به دلیل موقعیت تجاری خاص خود، یکی از مراکز مهم تولید و تجارت جواهرات بوده‌است. در این پژوهش، بازاری با عنوان «جوهریان» معرفی شده که به صورت تخصصی در زمینه تولید و فروش جواهرات فعالیت داشته‌است. بااین‌حال، این تحقیق صرفاً به نقش تبریز پرداخته و سایر مراکز تجاری مهم و مسئله قیمت‌گذاری سنگ‌های قیمتی را موردبررسی قرار نداده‌است. اسکندری‌راد و رنجبر (۱۴۰۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اهمیت و جایگاه هرموز در هنر و تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموریان (از ۷۸۹ه‍.ق تا ۸۵۶ه‍.ق)»، به نقش بندر هرموز در تجارت دریایی و شکوفایی اقتصادی و هنری جنوب ایران پرداخته‌اند. تمرکز اصلی آن‌ها بر ورود کالاهایی مانند سنگ‌های قیمتی، عطر و آثار هنری از طریق مسیرهای دریایی است. بااین‌حال، تمرکز این پژوهش صرفاً بر منطقه هرموز است و از ارائه تصویری جامع از تجارت سنگ‌های قیمتی در سراسر قلمرو تیموری بازمانده‌است.

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی جنبه‌های تجاری سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی و تیموری می‌پردازد و نقش بازارهای مختلف شهری در توسعه این تجارت را تحلیل می‌کند. همچنین، تلاش دارد عوامل مؤثر بر رونق تجارت سنگ‌های قیمتی را شناسایی و تأثیر آن‌ها را بر اقتصاد این دوره بررسی کند.

سنگ‌های قیمتی

سنگ‌های قیمتی، کانی‌های کمیابی از قبیل زمرد، یاقوت، الماس و نظایر آن هستند که

به سبب آنکه زیبا، خوش‌رنگ، درخشان و نیز در برابر عوامل خارجی مقاوم‌اند، مصارف زینتی دارند. به این قبیل کانی‌ها سنگ‌های گران‌بها و نجیب هم می‌گویند. در متون قدیمی با اسامی احجار ثمینه، احجار کریمه و احجار نفیسه نیز آمده‌است (طباطبائی، ۱۳۸۸: مدخل). در کتب جواهر قدما، حدود ۷۰ کانی به عنوان گوهر ذکر شده‌اند و بیشتر دانشمندان قدیم آن‌ها را سنگ‌های قیمتی می‌شناختند (زاوش، ۱۳۴۸: ۷۹).

در این میان باید به جایگاه مروارید به عنوان یک جواهر باارزش و مهم توجه کرد. مروارید در دو نوع پرورشی و صیدی و با رنگ‌های متنوع موجود است (بیانی و امان‌اللهی وفائی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). در دوره ایلخانی، مروارید نماد ثروت، قدرت، خرد، اقبال نیک، پاکی و اعتبار بود. مغولان نیز به دلیل رنگ سفید آن، که نشانه خوش‌شانسی و کاریزما (جاذبه) محسوب می‌شد، اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل بودند (Gill, 2021:176).

معادن سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی و تیموری

برخی شواهد نشان می‌دهند که معادن سنگ‌های قیمتی در خارج از قلمروی دولت‌های ایلخانی (۶۵۶ق-۷۳۶ق/۱۲۵۸م-۱۳۳۵م) و تیموری (۷۷۱ق-۹۱۱ق/۱۳۷۰م-۱۵۰۶م) وجود داشته‌اند. *تنسوخ‌نامه ایلخانی* (۶۵۴ق/۱۲۵۵م) از معدن یاقوت در شرق هند، نزدیک سرانندیب (سری‌لانکا)، نام برده که استخراج آن از دیرباز رواج داشت. در دوره تیموری، معادن یاقوت در سیلان و سرانندیب همچنان بهره‌برداری می‌شد (طوسی، ۱۳۶۳: ۳۱؛ جوهرنامه، ۱۳۴۳: ۲۷۷).

الماس از دیگر سنگ‌های ارزشمند این دوران بود. شه‌مردان (قرن پنجم) به وجود معدنی در خراسان اشاره کرده‌است (شه‌مردان، ۱۳۶۲: ۲۶۰). در دوره ایلخانی، معادن اصلی الماس در هند و سرانندیب بودند (کاشانی، ۱۳۴۵: ۸۰؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۰۳). در دوره تیموری نیز بیشتر معادن الماس در هند قرار داشتند. همچنین، کلاویخو (۸۰۵ق/۱۴۰۲م) از جزیره‌ای در دریای خزر نام می‌برد که در آن الماس استخراج می‌شد (دشتکی، ۱۳۳۵: ۲۲۰؛ کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۷۰)، هرچند منابع هم‌زمان با این دوره از این معدن یاد نکرده‌اند.

زمرّد نیز یکی از سنگ‌های قیمتی مهم این دوران بود که در دوره ایلخانی عمدتاً از

معادن طلا استخراج می‌شد. معادن زمرد در هند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند و در مناطقی مانند خیبر، وادی‌القری و مصر نیز وجود داشتند (قزوینی، ۱۳۹۰: ۳۳۲؛ باباپور، ۱۳۸۸: ۴۶؛ کاشانی، ۱۳۴۵: ۴۸). همچنین، نوعی زمرد به نام «صابونی» در حجاز کشف شد که به زمرد «عربی» شهرت داشت (دمشقی، ۱۳۵۷: ۱۰۳؛ دشتکی، ۱۳۳۵: ۲۱۳).

در ایران نیز معادن ارزشمند فیروزه و مروارید وجود داشت. معدن فیروزه نیشابور مهم‌ترین منبع این سنگ بود که به دلیل کیفیت بالا شهرت داشت. چنان‌که گفته‌اند: «از این همه نیکوترین نیشابوری است که رنگین و صُلب باشد و رنگش به ایام مدید تباہ نشود» (کاشانی، ۱۳۴۵: ۶۹). در کتاب *نزهت‌القلوب* (۷۴۰ق/۱۳۳۹م) آمده‌است که برای استخراج فیروزه در نیشابور چاه‌هایی حفر می‌شد. مستوفی اشاره می‌کند که در آن دوران، به دلیل وجود عقرب، بهره‌برداری از این معادن با مشکلاتی همراه بود. در طوس نیز معدنی از فیروزه وجود داشت که میزان استخراج آن کمتر از معدن نیشابور بود. همچنین، در فرغانه و کرمان نیز معدنی از فیروزه وجود داشت (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۰۴؛ کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۹۰).

مرواریدهای خلیج‌فارس نیز از کیفیت بالایی برخوردار بودند. به محل استخراج و بهره‌برداری مروارید، اصطلاحاً «مغاص» گفته می‌شد. در این مناطق، مروارید همیشه در دسترس نبود و تنها در زمان‌های خاصی از سال (تیر و مرداد) استخراج می‌شد (طوسی، ۱۳۶۳: ۸۳). سنگ لعل نیز از سنگ‌های قیمتی دوره‌های ایلخانی و تیموری بود که در معادن بدخشان به روش رگه‌یابی استخراج، با مته جدا و پس از صیقل‌دهی آماده استفاده می‌شد (طوسی، ۱۳۶۳: ۷۶؛ کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۷۲-۲۷۳).

با در نظر گرفتن وجود معادن غنی و نیاز به واردات برخی سنگ‌های قیمتی از مناطق خارجی، تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره‌های ایلخانی و تیموری احتمالاً به‌طور قابل‌توجهی تسهیل شده‌است. معادنی مانند فیروزه در نیشابور، مروارید در خلیج‌فارس و لعل در بدخشان به تقویت اقتصاد محلی کمک می‌کردند. در کنار این منابع داخلی، سنگ‌هایی مانند یاقوت و الماس از هندوستان و زمرد از سیلان و سراندیب وارد می‌شد. این واردات نشان‌دهنده روابط تجاری گسترده ایران با مناطق دیگر بود. ایران در این دوره به یکی از مراکز مهم تجاری منطقه تبدیل شد و این تبادلات اقتصادی، رشد بازارهای داخلی را تسهیل کرد. به نظر

می‌رسد که عوامل اصلی در شکل‌گیری و توسعه این تجارت، کیفیت و تنوع سنگ‌ها، تقاضای بالای بازار و مسیرهای تجاری مؤثر بوده‌اند. این شرایط نه تنها باعث گسترش تبادلات اقتصادی شد، بلکه جایگاه ایران را به عنوان قطب تجاری منطقه‌ای تقویت کرد.

تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی

مبادلات تجاری در دوره ایلخانی شامل دو حوزه خارجی و داخلی می‌شده‌است. در این دوره، مبادلات تجاری با کشورهای چین و هند سهم عمده‌ای از تجارت را تشکیل می‌داد. در داخل، بازارهای شهرهای مختلف نقش اساسی در مبادلات ایفا می‌کردند. ایجاد شبکه‌ای منظم از کاروان‌سراها در مسیرهای تجاری اصلی، به‌ویژه در جاده‌های منتهی به مراکز تولید و مصرف، همراه با تأمین امنیت این مسیرها از سوی حکومت، سبب پویایی رفت‌وآمد کاروان‌ها و افزایش اعتماد بازرگانان شد. این اقدامات، ضمن تقویت زیرساخت‌های مبادلاتی، بازارهای داخلی را به بنادر جنوبی، به‌ویژه بنادر خلیج فارس، متصل ساخته و امکان تبادل کالا با مناطق دوردستی چون هند و سیلان را تسهیل کرد. سنگ‌های قیمتی جایگاه ویژه‌ای در این مبادلات داشتند. در کتاب‌های جواهرنامه، قیمت مشخصی برای سنگ‌های قیمتی این دوره ثبت شده‌است. این قیمت‌گذاری عمدتاً براساس وزن آن‌ها بود که با واحدهایی چون دانگ و مثقال سنجیده می‌شد. قیمت‌گذاری مبتنی بر «اختلاف مکان و زمان و تصرف روزگار و تغییر احوال و کثرت و قلت دولت و ذلت» بوده‌است (کاشانی، ۱۳۴۵: ۴۳-۴۴). در دوره ایلخانی، تراش کاری برای افزایش زیبایی و بهای جواهرات انجام می‌شد. به عنوان نمونه برخی از الماس‌ها را به شکل پیکان می‌تراشیده‌اند که به این نوع «الماس پیکانی» گفته می‌شد. قیمت این الماس از الماسی که در آن پرداخت و تراشی صورت نگرفته بود که به آن «عجمی» گفته می‌شد، بیشتر بود (کاشانی، ۱۳۴۵: ۸۳).

براساس مطالب کتاب *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب* (قرن هشتم هجری)، قیمت‌گذاری جواهرات و سنگ‌های قیمتی بر عهده تاجران زبده‌ای به نام «مقومان» بوده‌است که هریک از سنگ‌ها را براساس معیارهای خاص قیمت‌گذاری می‌کردند. به نظر می‌رسد قیمت‌های تعیین شده به عنوان مبنا در قیمت‌گذاری در سایر مناطق استفاده می‌شده‌است (کاشانی، ۱۳۴۵: ۸۳). در مورد واکنش دولت نسبت به فعالیت مقومان در این

زمینه اطلاعاتی در اختیار نداریم، اما از طریق فعالیت این افراد می‌توان استنباط کرد که یک سیستم منظم برای ارزش‌گذاری و تجارت سنگ‌های قیمتی وجود داشته‌است. این سیستم با استفاده از دانش تخصصی مقومان، می‌توانست مبادلات تجاری دوره ایلخانی را تسهیل کرده و به طرفین معامله کمک کند تا از ارزش واقعی هر سنگ آگاه شوند. به‌عنوان نمونه، در جدول شماره (۱) قیمت زمرد برحسب دانگ و مثقال در دوره ایلخانی ارائه شده که نشان‌دهنده رابطه مستقیم میان افزایش وزن و قیمت آن است.

جدول ۱. (کاشانی، ۱۳۴۵: ۵۷-۵۸)

قیمت زمرد	
وزن (دانگ و مثقال)	قیمت
نیم دانگ	پنج دینار
یک دانگ	بیست دینار
دو دانگ	پنجاه دینار
چهار دانگ	صد و پنجاه دینار
پنج دانگ	صد و هشتاد دینار
یک مثقال و نیم	پانصد دینار
دو مثقال	از هشتصد تا هزار دینار
سه مثقال	از یک هزار تا هزار و پانصد دینار
چهار مثقال	دو هزار دینار

تمرکز سیاسی و اقتصادی در غرب قلمرو ایلخانان، زمینه‌ساز رونق تجارت سنگ‌های قیمتی در شهرهای تبریز و بغداد شد. موقعیت استراتژیک این شهرها در مسیرهای تجاری با هند و سیلان، این دادوستد را تسهیل کرده و گسترش داد. علاوه بر این، در نواحی ساحلی خلیج فارس نیز تجارت سنگ‌های قیمتی جریان داشت.

تبریز در دوره ایلخانی به‌عنوان یکی از شهرهای مهم ایران شناخته می‌شد و اباقاخان (۶۶۳ ق/۱۲۶۴ م) آن را به پایتختی انتخاب کرد. این شهر در دوره مغول به شکوفایی رسید و کمتر آسیب دید (اقبال، ۱۳۸۸: ۲۰۲). به دلیل جایگاه سیاسی، تبریز به یکی از قطب‌های



مهم اقتصادی تبدیل شد. ایلخانان تبریز را محل بیلاق خود قرار داده و تابستان‌ها به آنجا می‌آمدند، درحالی‌که زمستان‌ها را در بغداد سپری می‌کردند (پرایس، ۱۳۶۴: ۹۶). تبریز در این دوره به‌عنوان «دارالملک» شناخته می‌شد و جمعیت فراوانی در آن سکونت داشتند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۶).

تبریز در دوره ایلخانی به دلیل موقعیت استراتژیک خود به یکی از مراکز مهم تجارت میان شرق و غرب تبدیل شده بود. کاروان‌های تجاری از ماوراءالنهر به سواحل دریای مدیترانه از این شهر عبور می‌کردند (دین‌پرست، ۱۳۹۱: ۱۲۶). بازرگانان بغداد برای خرید سنگ‌های قیمتی از هند یا فروش مروارید و حریر به تبریز سفر می‌کردند (پرایس، ۱۳۶۴: ۹۶).

بازارهای متعددی در تبریز وجود داشت که طبقات مرفه جامعه در آن‌ها جواهرات و سنگ‌های قیمتی خریداری می‌کردند. ابن بطوطه از بازار غازان و بازار جوهریان یاد کرده‌است که در آن‌ها اصناف مختلف، به‌ویژه جواهرفروشان، به خریدوفروش سنگ‌های قیمتی مشغول بودند. در این بازارها، زنان نیز برای خرید جواهرات از یکدیگر سبقت می‌گرفتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۸۴). این بازارها نه‌تنها مراکز خریدوفروش بودند، بلکه نمادی از رونق اقتصادی تبریز محسوب می‌شدند و نقش مهمی در تسهیل تجارت کالاهایی مانند سنگ‌های قیمتی و جواهرات ایفا می‌کردند.

مارکوپولو تبریز را مرکز جذب بازرگانان و محل خرید جواهرات و مرواریدهای باکیفیت دانسته‌است (پولو، ۱۳۵۰: ۳۱). بازرگانان اروپایی برای خرید مرواریدهای خلیج فارس به تبریز می‌آمدند و این مرواریدها به مناطقی چون اروپا، سیواس، پرا، قسطنطنیه، قاهره و دمشق صادر می‌شدند (Gill, 2021:174). این شواهد، جایگاه تبریز را در تجارت بین‌المللی سنگ‌های قیمتی نشان می‌دهد. علاوه بر این، فعالیت صنایع و مشاغل مرتبط با سنگ‌های قیمتی در تبریز، بر اهمیت این شهر افزوده و آن را به یکی از مراکز اصلی تجارت این کالا در آن دوره تبدیل کرده‌است.

در دوره ایلخانی، تبریز به‌عنوان «دارالملک ایران» و مرکز مهم تجاری نقش

قابل توجهی در تعیین قیمت سنگ‌های قیمتی داشت. به نظر می‌رسد که تعیین این نرخ‌ها نه تنها براساس وزن و کمیت سنگ‌ها بلکه براساس تقاضا و عرضه در بازارهای محلی و بین‌المللی صورت می‌گرفت که نشان‌دهنده تأثیر تبریز بر قیمت‌گذاری در سطح وسیع‌تر ایران بود. این سیستم قیمت‌گذاری می‌توانست تسهیل‌کننده تبادلات تجاری میان تبریز و سایر مناطق ایران و حتی کشورهای هم‌جوار باشد. همچنین، این فعالیت‌ها موجب رونق صناعی چون تراش‌کاری و جواهرسازی در تبریز می‌شد. به‌طور خاص، تعیین نرخ یاقوت در تبریز می‌توانست مبنای قیمت‌گذاری در دیگر نواحی کشور قرار گیرد و به یک سیستم استاندارد تبدیل شود، همان‌طور که در جدول شماره (۲) به آن اشاره شده‌است.

جدول ۲. (کاشانی، ۱۳۴۵: ۴۴)

قیمت یاقوت	
وزن	قیمت
نیم دانگ یاقوت	یک دینار تا پنجاه دینار
یک دانگ یاقوت	ده دینار تا صد دینار
دو دانگ یاقوت	ده تا پانصد دینار
چهار دانگ یاقوت	پنجاه تا هزار و دویست دینار
پنج دانگ یاقوت	صد تا هزار و پانصد دینار

بغداد از دیگر شهرهای مهم دوره ایلخانی بود که با حمله هلاکوخان مغول در سال ۶۵۶ ق/ ۱۲۵۸ م ویران شد. با این حال، احیای بغداد از آغاز حکومت هلاکو آغاز شد و اقدامات عطا ملک جوینی در این امر مؤثر بود. هرچند با وجود تبریز و سلطانیه، موقعیت تجاری بغداد کمرنگ‌تر شد، اما هنوز رونق داشت و از تجارت زمینی و دریایی بهره‌مند بود (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

قسمت شرقی بغداد دارای بازارهای مرتب بود، از جمله بزرگ‌ترین آن‌ها «سوق الثلاثاء» که اصناف مختلف هریک محل خاصی داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۷۵). در دوره ایلخانی، بغداد از مراکز اصلی خرید و فروش جواهرات بود و قیمت‌های آن به‌عنوان معیار ارزش‌گذاری در سایر مناطق محسوب می‌شد (طوسی، ۱۳۶۳: ۱۰۱).

در دوره ایلخانی شهر بغداد از مراکز مشهور در زمینه تجارت مروارید محسوب می‌شده‌است. بخش اعظم مروارید صیدشده در این شهر جهت صادرات، درجه‌بندی و آماده‌سازی می‌شد. در بغداد مرواریدها را سوراخ می‌کردند که این عمل نیازمند مهارت بالایی بود. پس از انجام این کار، مجدداً آن را به موصل، بصره، اروپا، چین و هند ارسال می‌کردند (Gill, 2021:175). مرواریدهای صادراتی هند به اروپا نیز در بغداد پردازش می‌شدند (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۹۳). مارکوپولو در سفرنامه خود اشاره می‌کند که تقریباً تمام مرواریدهای صادراتی هند به اروپا در بغداد سوراخ می‌شدند و در اندازه‌های مختلف پردازش می‌شدند (باباپور، ۱۳۸۸: ۴۳؛ پولو، ۱۳۵۰: ۲۷). این نکته نشان می‌دهد که بغداد نه تنها یک مرکز پردازش مروارید، بلکه نقطه‌ای مهم در مسیر تجارت جهانی آن نیز بوده‌است. این موقعیت مؤثر، نشانگر تقاضای بالای مروارید در اروپا و تأثیر آن بر اقتصاد محلی بغداد بود و نقش اساسی در شکل‌گیری و توسعه تجارت سنگ‌های قیمتی ایفا می‌کرد.

در قرن‌های هفتم و هشتم هجری، سواحل خلیج فارس، به‌ویژه هرمز، از مراکز مهم تجاری بودند. هرمز از نظر سیاسی تحت‌الحمايه همسایگان خشکی‌نشین خود در ایران بود و کالاهایش را از مسیرهای کاروان‌رو به لار، شیراز، خراسان، اصفهان، تبریز و سلطانیه ارسال می‌کرد (کاوتس و پتاک ۱۳۸۳: ۱۵) طبق تاریخ و صاف، حاکمان هرمز در این دوره خراج‌گزار سلاطین کرمان بودند و تسلط کرمان بر این بندر تجاری نقش چشمگیری در رونق اقتصادی منطقه داشت (وصاف‌الحضره، ۱۳۴۶: ۱۸۱؛ رضوی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

هرمز در دوره ایلخانی مرکز مهمی برای انتقال کالاهای هندی به شرق و غرب بود (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۱۵). مارکوپولو از حضور بازرگانان هندی در هرمز و ورود ادویه، دارو، سنگ‌های قیمتی، مروارید و منسوجات زربفت خبر داده‌است. از جمله کالاهای مهم، یاقوت ناب هندی «به‌رمان» بود که از سیلان به ایران می‌رسید (پولو، ۱۳۵۰: ۴۴؛ پوربختیاری، ۱۳۹۶: ۳۰۳). این امر نقش کلیدی هرمز را در تأمین سنگ‌های قیمتی برای بازارهای داخلی ایران نشان می‌دهد. در این بندر، علاوه بر تجارت این کالاهای، فنون تراش‌کاری و پرداخت جواهرات نیز رواج داشت که به بهبود کیفیت آن‌ها کمک می‌کرد.

در دوره ایلخانی، واردات سنگ‌های قیمتی از چین به هرمز اهمیت تجاری این بندر را

افزایش داد و به رونق اقتصادی و گسترش تجارت سنگ‌های قیمتی در منطقه کمک کرد. قدیمی‌ترین اطلاعات در این زمینه در کتاب *وانگ دایوآن* (Daoyi Zhilüe) که در سال ۱۳۴۹ق/۷۵۰م نوشته شده، آمده است. نویسنده این کتاب، هرمز را گانمیلی (Ganmaili) نامیده و مطالب او شباهت زیادی به نوشته‌های مارکوپولو دارد. وانگ به صادرات کالاهای ارزشمند، از جمله یشم جلا داده شده، میان هرمز و چین اشاره کرده است (کاوتس و پتاک، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۵؛ پوربختیاری، ۱۳۹۶: ۳۰۶). این روابط تجاری نه تنها موقعیت هرمز را در بازرگانی منطقه‌ای تقویت کرد، بلکه تنوع و ارزش کالاهای مبادله شده در آن را افزایش داد.

در دوره ایلخانی، جزیره کیش یکی از مراکز مهم تجاری خلیج فارس بود. با مهاجرت امرای بنی‌قیصر از سیراف، کیش به بندری تجاری تبدیل شد. پس از سقوط بنی‌قیصر، هرچند هرمز در قرن‌های هفتم و هشتم هجری جایگاه کیش را گرفت، اما این جزیره همچنان نقش خود را در تجارت دریای فارس حفظ کرد (اقتداری، ۱۳۴۸: ۸۲۱؛ چمنکار، ۱۳۹۰: ۶۱). کیش در اقتصاد خلیج فارس، روابط تجاری با چین و هند و ترانزیت کالا به ایران نقشی مهم داشت. ساکنان آن نیز از راه بازرگانی و صید مروارید امرارمعاش می‌کردند (فرشیدینا و حامدی، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۷). براساس گزارش‌های ابن بطوطه و کتب جواهرنامه، کیش را می‌توان مهم‌ترین مرکز صید مروارید در آن دوره دانست. ابن بطوطه به حضور بازرگانانی از فارس، بحرین و قطیف برای خرید مروارید در کیش اشاره کرده است. وی همچنین ذکر کرده است که خمس تمامی مرواریدهای صیدشده در کیش متعلق به حاکم بود و مابقی آن را بازرگانان می‌خریدند. در کیش، اغلب بازرگانان مروارید را پیش‌خرید می‌کردند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۴۰-۳۳۹؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۸۳؛ کاشانی، ۱۳۴۵: ۸۴-۸۵). با توجه به اهمیت تجارت مروارید، کیش جایگاه ویژه‌ای در نظام توزیع و مبادله سنگ‌های قیمتی داشت. آب‌های پیرامون این جزیره یکی از بزرگ‌ترین ذخیره‌گاه‌های مروارید خاورمیانه بود و مرواریدهای نفیس آن شهرتی بین‌المللی داشتند. صید مروارید شغل اصلی جزیره‌نشینان بود و این حرفه عمدتاً توسط طایفه بنی‌سفاف انجام می‌شد (چمنکار، ۱۳۹۰: ۶۵؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۳۹). مرواریدهای کیش نه تنها در بازار داخلی ایران، بلکه در تجارت بین‌المللی نیز نقشی کلیدی داشتند. این فعالیت‌ها جایگاه استراتژیک کیش را در توسعه تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی برجسته می‌کند.

در دوره ایلخانی، روابط ایلخانان مغول با چین نسبتاً صلح‌آمیز بود. به‌ویژه در روابط میان هلاکوخان و قوبیلاخان که در چین حکومت می‌کرد، این روابط براساس دوستی و وفاق بود. گرچه در نظر خانان مغول در چین، ایلخانان مقام پایین‌تری داشتند، اما روابط نزدیکی برقرار بود (اقبال، ۱۳۸۸: ۱۹۰؛ گروسه، ۱۳۶۵: ۴۸۸). با توجه به نظم و امنیتی که مغولان در مسیرهای تجاری برقرار کرده بودند، کالاهای مختلفی از جمله سنگ‌های قیمتی میان دو کشور مبادله می‌شد. عمده صادرات این کالاها از چین به ایران از طریق بنادر «چین‌چین» یا «کانتون» انجام می‌شد (پوربختیاری و بحرانی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۲؛ بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۷۷). این روابط تجاری نه تنها به تبادل کالاهای ارزشمند از جمله سنگ‌های قیمتی منجر شد، بلکه امنیت در مسیرهای تجاری امکان دسترسی به بازارهای گسترده‌تر را فراهم کرد و تجارت سنگ‌های قیمتی را تقویت نمود.

وجود سنگ‌های قیمتی در دربار مغول به‌خوبی نشان می‌دهد که تجارت این کالاها در سطح بین‌المللی رونق داشته‌است. براساس اطلاعات در دسترس، در دوره حکومت قوبیلاخان (پایان سده سیزدهم/هفتم هجری) بازرگان مسلمان لعل سرخی را به قآن فروخت. وزن این گوهر یک «لیانگ» و سه «تسین» بود و آن را با ۱۴۰۰۰۰ «تینگ» قیمت گذاشته شد که با پول کاغذی پرداخت می‌شد.^۱ امپراتور مغول این گوهر را بالای کلاهش نصب کرد. این گوهر درگذر زمان به قآن‌های بعدی رسید. امپراتوران مغول این گوهر را همواره در جشن سال نو، روز تولدشان و دیگر مناسبات رسمی بر لباس داشتند (برتشنايدر، ۱۳۸۱: ۱۹۵) با توجه به این اتفاق می‌توان از حضور بازرگانان مسلمان که احتمالاً از ایران به دربار خان مغول در چین می‌آمدند به این نکته پی برد که تجارت سنگ‌های قیمتی در دربارهای دو کشور نیز در این دوره برقرار بوده‌است. وجود سنگ‌های قیمتی در دربار مغول نشان‌دهنده اهمیتی است که این کالاها به‌عنوان محصولات نفیس و گران‌بها در تجارت بین‌المللی این دوره داشتند. همچنین، این رویداد حاکی از نقش برجسته ایران به‌عنوان یکی

۱. یک لیانگ برابر ده تسین است که هم‌سنگ $1\frac{3}{4}$ اونس ounce سیم و زر (هر انس ۳۱/۱ گرم) بوده است. یک تینگ در دوره حکومت قوبیلاخان معادل سیزده لیانگ نقره بود. پول کاغذی نیز فقط یک دهم مبلغ اسمی آن ارزش داشت (برتشنايدر، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

از مراکز اصلی توزیع سنگ‌های قیمتی در دوره ایلخانی است. تقاضای مداوم درباری برای این کالاها می‌توانسته موجب پایداری و گسترش مسیرهای تجاری مرتبط با این حوزه شده و به توسعه اقتصادی و تجاری منطقه کمک شایانی کند.

پایتخت چین و سایر مناطق آن محلی غنی برای سنگ‌های قیمتی بود که به سایر ممالک فرستاده می‌شد. اگرچه گوهرهای محدودی از معادن آن استخراج می‌شده‌است (برتشنايدر، ۱۳۸۱: ۱۹۸). از طریق کتب جواهرنامه دوره ایلخانی نیز می‌توان دریافت که برخی از سنگ‌های قیمتی از چین وارد ایران می‌گردید. در این مورد می‌توان به سنگ یشم اشاره کرد که طوسی و کاشانی در کتاب‌های خود از واردات این سنگ قیمتی از شمال چین به ایران خبر می‌دهند (طوسی، ۱۳۶۳: ۱۲۱؛ کاشانی، ۱۳۴۵: ۱۳۹). سنگ یشم، سنگ مهمی در مبادلات تجاری با چین بود. اهمیت آن تا جایی بود که سنگ‌های یشم مصنوعی را از چین وارد کشور می‌کرده‌اند (دمشقی، ۱۳۵۷: ۱۰۶). این امر نشان می‌دهد که یشم در معاملات ارزش قابل‌توجه داشته‌است و موجب جذب خریداران در بازارهای داخلی بوده‌است.

این نکته را باید متذکر شد که روابط ایران و چین در دوره ایلخانی در مشاغل و حرف گوناگونی چون حرف مرتبط با جواهرات (حکاکي، نگین‌سازی) تأثیرگذار بوده‌است و این اتفاق به‌واسطه قدرت و نفوذ مغول‌ها در انتقال هنرهای تزیینی و تجملی و فنون مختلفی که بر روی جواهرات و سنگ‌های قیمتی صورت می‌گرفت، پدیدار شد و به‌گونه‌ای که نقش‌های جانوری که از دوران قدیم در ایران معمول بود، جایگزین آرایه‌های گیاهی و اشکال هندسی شد (زکی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷)؛ بنابراین، تأثیر روابط تجاری و فرهنگی ایران و چین در دوره ایلخانی بر توسعه و تغییرات در صنعت جواهرسازی و تجارت سنگ‌های قیمتی، نشان‌دهنده نقش مهم این ارتباطات در شکل‌گیری و گسترش بازار سنگ‌های قیمتی در ایران است.

در دوره ایلخانی سرزمین هندوستان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در صدور و توسعه سنگ‌های قیمتی به ایران داشت در این دوره هند را به‌عنوان سرزمینی که همواره جواهرات، طلا و کالاهای نفیس دیگر را در خود جای‌داده بوده‌است، شناخته می‌شد (وصاف‌الحضرة، ۱۳۴۶: ۱۸۴). چنانچه در منطقه سیلان هندوستان سنگ‌های قیمتی

فراوانی قرار داشت. یاقوت و یاقوت کبود از جمله سنگ‌های گران‌بهای بود که در این منطقه یافت می‌شده‌است (May & Hope, 2022: 493).

فراوانی معادن سنگ‌های قیمتی در هند در کتب جواهرنامه‌های دوره ایلخانی به خوبی تأکید شده‌است. در این منابع به وجود الماس در هندوستان (کاشانی، ۱۳۴۵: ۸۰) و یاقوت سرخ در سراندیب (سری‌لانکای امروزی) اشاره شده‌است (کاشانی، ۱۳۴۵: ۳۰؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۳۱). همچنین، مرواریدهای جزایر هندوستان، از جمله «زیپانگو» که به گفته مارکوپولو زرد کم‌رنگ، درشت و گران‌تر از مرواریدهای سفید بودند، جایگاه ویژه‌ای داشتند (پولو، ۱۳۵۰: ۲۴۱).

در دوره ایلخانی، هندوستان یکی از منابع اصلی تأمین سنگ‌های قیمتی در ایران بود. علاوه بر سنگ‌های قیمتی، کالاهایی چون ادویه، عاج فیل، مروارید و پارچه‌های ابریشمی از جنوب هند از طریق بنادر هرمز و کیش وارد ایران می‌شدند (May & Hope, 2022: 493). سیاحان هرمز نیز در گسترش روابط تجاری نقش داشتند (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۲۰). وابستگی ایران به واردات سنگ‌های قیمتی از هند، نشان‌دهنده کمبود این منابع در داخل کشور و نقش کلیدی هند در تأمین این نیازها بود. این تجارت، علاوه بر پاسخ‌گویی به تقاضای داخلی، به توسعه بازار سنگ‌های قیمتی در ایران و رونق صنعت مرتبط در دوره ایلخانی منجر شد.

تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموری

در دوره تیموری، تجارت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و ایران نقشی کلیدی در مسیرهای تجاری جهانی ایفا می‌کرد. مسیرهای تجاری که از چین تا سواحل مدیترانه امتداد داشتند و از طریق جاده ابریشم به اروپا و آسیای میانه متصل می‌شدند، موجب رونق بازارها و شهرهای مهمی چون سمرقند و هرات شدند. حاکمان تیموری، به‌ویژه امیر تیمور، امنیت این مسیرها را تأمین کرده و بر توسعه آن‌ها تأکید داشتند (دین‌پرست، ۱۳۹۱: ۱۲۸؛ رویمر و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰۸). در این دوره به مراکز تجاری شرق ایران همچون سمرقند و هرات توجه ویژه‌ای شد.

در دوره تیموری، کالاهایی همچون ظروف چینی، ابریشم، یاقوت از چین، شمشیرهای زرین از مصر، سنگ یشم از مغولستان و قلعه از جنوب شرق آسیا به ایران وارد می‌شدند (سمائی دستجردی و عابدین‌پور جوشقانی، ۱۳۹۵: ۱۶۸). این واردات، ضمن تأمین مواد خام موردنیاز، به جبران کمبودهای داخلی نیز کمک می‌کرد.

تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموری اهمیت زیادی داشت. منابع محدود این دوره مشابه ایلخانی، قیمت‌های برخی سنگ‌های قیمتی را ثبت کرده‌اند که در نشان دادن ارزش و کیفیت آن‌ها در معاملات مؤثر بوده‌است. به‌عنوان نمونه قیمت یک دانگ یاقوت رمانی یا بهرمانی پنجاه دینار، دو دانگ آن صد دینار، چهار دانگ آن سیصد دینار، پنج‌دانگی آن هفت‌صد دینار قیمت داشته‌است. همچنین یاقوت‌های تراشیده و پرداخت‌شده در این دوره قیمت بالاتری نسبت به یاقوت‌های دیگر دارد. افراد با استفاده از فن پرداخت می‌توانستند بهای گوهرها را افزایش دهند (دشتکی، ۱۳۳۵: ۲۰۹) تداوم نظام قیمت‌گذاری سنگ‌های قیمتی نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در شکل‌گیری و توسعه تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموری همچنان به قوت خود باقی مانده‌اند. این نظام قیمت‌گذاری، به‌ویژه برای سنگ‌های پرداخت‌شده و باکیفیت، حاکی از این است که بازار تجارت سنگ‌های قیمتی از حمایت و ساختار مشخصی برخوردار بوده‌است، علاوه بر این نقش مهمی در تقویت اقتصاد و توسعه تجارت در این دوره ایفا کرده‌است.

رونق تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموری، افزون بر تقاضای بالای بازار، تحت تأثیر موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران و قرارگیری آن در مسیر راه تجاری ابریشم بود؛ عاملی که موجب تسهیل دادوستد میان شرق و غرب و شکل‌گیری بازارهایی پربرونق در نواحی مختلف ایران شد. دربار تیموری نیز نه تنها از هنر و فنون جواهرسازی حمایت می‌کرد، بلکه سنگ‌های قیمتی در ساختار قدرت، کارکردی سیاسی داشتند؛ به‌گونه‌ای که به‌عنوان نماد قدرت، شکوه و مشروعیت سلطنتی در مراسم‌های رسمی، تاج‌گذاری‌ها و پیشکش‌های سیاسی به کار می‌رفتند. در این دوره، همانند دوره ایلخانی، تجارت سنگ‌های قیمتی در سواحل خلیج فارس ادامه داشت. بندر هرمز از مراکز مهم بازرگانی بود که نیمه جنوبی حوزه آن، از سواحل جنوبی چین، بنگال، گجرات، مکران، حضرموت، یمن، تا شرق و

جنوب آفریقا را دربر می‌گرفت. این منطقه در شبکه‌ای عظیم از تبادلات تجاری، نقش محوری در پیوند شرق و غرب ایفا می‌کرد و به‌عنوان مرکز تبادل کالا، هنر، سیاست و اقتصاد در آسیا عمل می‌نمود. بخش عمده تجارت این بندر نیز از ایران هدایت می‌شد (اسکندری‌راد و رنجبر، ۱۴۰۳: ۷۴).

کالاهای متعددی از هند به هرمز وارد می‌شد که در میان آن‌ها سنگ‌های قیمتی نیز یافت می‌شدند (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۸۳). این بندر علاوه بر واردات، صادرکننده کالاهای متنوعی مانند مروارید، احجار کریمه و کهربای زرین نیز بوده‌است (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۷؛ کاوتس و پتاک، ۱۳۸۳: ۶۸). در کیش نیز صید و پرورش مروارید انجام می‌شد (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۸۳). از این‌رو، سواحل خلیج فارس با صادرات سنگ‌های قیمتی به دیگر نواحی، نقشی مؤثر در تقویت شبکه‌های تجاری ایفا می‌کردند. این رونق به بهبود زیرساخت‌های بازرگانی و ارتقای تبادلات تجاری ایران، به‌ویژه در شهرهایی چون تبریز و سمرقند، یاری رساند.

در دوره تیموری، تجارت سنگ‌های قیمتی در شهرهای مهمی مانند تبریز، سلطانیه، سمرقند و هرات رونق داشت. همچنین شهر نیشابور به دلیل وجود معادن فیروزه از اهمیت بالایی در تجارت سنگ‌های قیمتی برخوردار بوده‌است (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۹۰). در مورد بخارا، منابع مستقیم و مستندی درباره نقش دقیق این شهر در تجارت سنگ‌های قیمتی دوره تیموری در دسترس نیست، اما با توجه به اهمیت تجاری و وجود بازارهای معروف مانند تکیه زرگران، احتمال می‌رود بخارا نقش مهمی در این حوزه ایفا کرده باشد. تبریز در این دوره همچنان یکی از مراکز مهم تجاری بود و به گفته شیلت‌برگر، پادشاه ایران از حضور بازرگانان در این شهر درآمد قابل توجهی کسب می‌کرد (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۸۰). ساختار شهری تبریز در این دوره شامل خیابان‌ها و میدان‌های وسیع و بازارهایی پررونق بود که در آن کالاهایی همچون پارچه‌های ابریشمی، پنبه، ابریشم خام و جواهرات معامله می‌شد (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۶۲). شواهد نشان می‌دهد که بازار جوهریان تبریز که ابن بطوطه در دوره ایلخانی به آن اشاره کرده بود (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۸۴)، همچنان فعال بوده و در آن انواع جواهرات و زیورآلات قیمتی خرید و فروش می‌شده‌است. تداوم فعالیت این بازار،

جایگاه پایدار تبریز را در اقتصاد منطقه‌ای و نقش آن در تجارت سنگ‌های قیمتی تأیید می‌کند. با این حال، تمرکز تیموریان بر مناطق شرقی احتمالاً باعث کاهش عرضه و توزیع جواهرات و سنگ‌های قیمتی در مقایسه با تبریز شده است. از سوی دیگر، بحران‌هایی مانند قحطی سال ۸۳۵ق/۱۴۳۱م در دوره شاهرخ، جان بیش از صد هزار نفر را گرفت (روملو، ۱۳۹۴: ۲۰۳)، احتمالاً تأثیرات منفی بر تجارت سنگ‌های قیمتی گذاشته است. این بحران ممکن است باعث کاهش قدرت خرید مردم و رکود موقتی در برخی بازارها شده باشد. با این حال، موقعیت استراتژیک تبریز در مسیرهای تجاری بین‌المللی موجب شد تا این شهر همچنان به عنوان یکی از قطب‌های اصلی تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموری باقی بماند.

از دیگر مراکز تجاری مهم در غرب قلمرو تیموریان، سلطانیه بود که ساخت آن از زمان ارغون آغاز شد و با تلاش غازان خان و اولجایتو تکمیل گردید. اولجایتو در ۷۰۴ق/۱۳۰۴م با تاج‌گذاری در این شهر، آن را مقر فرمانروایی خود قرارداد (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۷۵). در دوره ایلخانی، بازارهای سلطانیه از مراکز مهم تجارت جواهرات به شمار می‌رفتند (کاشانی، ۱۳۴۸: ۴۶).

در دوره تیموری، سلطانیه یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری غرب ایران و از شهرهای پرجمعیت زمان خود بود. کلاویخو سلطانیه را از نظر بازرگانی مهم‌تر از تبریز می‌داند. با این حال، بازار آن نسبت به تبریز جمعیت کمتری داشت که این موضوع نشان‌دهنده افزایش حجم و تنوع کالاهای مبادله شده در این شهر بود (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۶۷). در ماه‌های تابستان، کاروان‌هایی که از هندوستان وارد سلطانیه می‌شدند، انواع ادویه‌جاتی چون میخک و جوز هندی همراه خود داشتند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۶۷-۱۶۸). در این دوره، مروارید و یاقوت از چین و مسیرهای دریایی به هرمز می‌رسید و سپس به سلطانیه فرستاده می‌شد. در هرمز، مرواریدها سوراخ و سپس به تبریز و سلطانیه فرستاده می‌شدند تا در این شهرها به انواع گوشواره و انگشتر تبدیل گردند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۶۸-۱۶۹).

سمرقند در دوره تیموری یکی از شهرهای مهم و ثروتمند ماوراءالنهر بود که به دلیل وفور ثروت، نام آن از «سیمیز کنت» به معنای «شهر ثروتمند» گرفته شده است (ابن عربشاه،

۲۵۳۶: ۲۱؛ کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۸۴). میرخواند (قرن نهم هجری) درباره اهمیت این شهر در دوران امیر تیمور می‌نویسد: «شهر سمرقند و اهالی آن مشمول عنایت صاحبقران ظفر گردیدند و آن حضرت همت پادشاهانه بر عمارت قلعه و ابنیه عظیم گماشت و این شهر جنت‌مثال را مرکز دولت و اقبال ساخت» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۸۰). در بازارهای سمرقند کالاهای گران‌بهای به فروش می‌رسید که بیشتر در اختیار طبقات ثروتمند جامعه بود و علاوه بر مصرف داخلی، به کشورهای خارجی نیز صادر می‌شد. برخی از این کالاها شامل فرش‌ها و قالیچه‌های تزیین‌شده با طلا بودند (Mukhammadov, 2020: 60).

امیر تیمور با ساخت کاخ‌ها، باغ‌ها و سرا بستان‌های باشکوه، سمرقند را به یکی از مهم‌ترین و زیباترین شهرهای دوره تیموری تبدیل کرد (ابن عربشاه، ۲۵۳۶: ۳۰۷؛ سمرقندی، ۱۳۷۲: ۱۴۳). در دوران فرمانروایی الغ‌بیگ، سمرقند به یک مرکز علمی و فرهنگی تبدیل شد. در این دوره، رصدخانه‌ای در سال ۸۲۲ ق/ ۱۴۱۹ م و مدرسه‌ای در سال ۸۲۵ ق/ ۱۴۲۲ م در این شهر تأسیس شد و اموال بسیاری وقف آن گردید (روملو، ۱۳۹۴: ۱۱۸، ۱۳۸).

در دوره تیمور، سمرقند به مرکزی تجاری تبدیل‌شده بود که کالاهایی از چین، هند، روسیه و آسیای میانه وارد آن می‌شد. برای تسهیل تجارت، تیمور دستور ساخت بازاری بزرگ در خیابانی از میان شهر را داد که شامل دکان‌هایی برای فروش انواع کالاها بود (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۷۶). واردات اصلی شامل اشیای چرمی، کتانی، ادویه، زره و سنگ‌های قیمتی بود. این کالاها علاوه بر رونق بازار، باعث جذب صنعتگران متنوعی به این شهر شده بود. صنعتگران متنوعی از مناطق مختلف مانند دمشق، آسیای صغیر و روسیه به این شهر آمده و به تولیداتی چون بافندگی، سفالگری، نقره‌کاری و تفنگ‌سازی که در آن زمان نوآوری محسوب می‌شد، می‌پرداختند (پرایس، ۱۳۶۴: ۱۲۱-۱۲۲).

تیمور پیوسته پشتیبان بازرگانی و دادوستد در سمرقند بود تا بدین گونه پایتخت خویش را یکی از شهرهای مهم و عمده کند. او همه اربابان حرف مختلف همچون زرگر و بنا را به این شهر آورده بود چنانچه در این شهر، بهترین استادان در زمینه‌های مختلف یافت می‌شدند. تیمور همچنین در این شهر عده‌ای سنگ تراشان هندی را نیز به خدمت گرفت (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۲۶۱؛ کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۸۵).

در سمرقند کالاهایی از سرزمین‌های مختلف وارد می‌شد که از جمله آن‌ها سنگ‌های قیمتی مانند لعل بدخشان، مروارید و الماس بودند. کالاهای چینی در میان واردات این شهر از اهمیت بالاتری برخوردار بودند، چراکه هنرمندان چینی به‌عنوان ماهرترین هنرمندان جهان شناخته می‌شدند. به گفته کلاویخو، در آن زمان ضرب‌المثلی مشهور بود که «تنها هنرمندان چینی هستند که دو چشم دارند و فرنگیان یک‌چشم و مسلمانان کورند» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۸۶). یکی از سنگ‌های قیمتی که از چین به ایران وارد می‌شد، یشم بود (دشتکی، ۱۳۳۵: ۲۵۸). این سنگ قیمتی توسط هنرمندان و صنعتگران چینی تراشیده و پرداخت می‌شده‌است که می‌توانسته در کنار سایر کالاهای گران‌قیمتی که از چین به قلمروی تیموریان وارد می‌شده‌است، موردتوجه بوده باشد. این تجارت نه‌تنها موجب تقویت اقتصاد سمرقند و جذب ثروت قابل‌توجه شد، بلکه به ارتقای مهارت‌های ویژه در تراش و ساخت جواهرات گران‌بها منجر گردید.

در دربار تیموریان، به‌ویژه دوره امیر تیمور، جواهرات و سنگ‌های قیمتی فراوانی یافت می‌شد. ابن عرب‌شاه گزارش می‌دهد که انواع سنگ‌های گران‌بها مانند لعل بدخشان، فیروزه نیشابور، یاقوت، الماس هند و سند، لؤلؤ هرمز، یشم ختا و زر و سیم به امیر تیمور هدیه می‌شد (ابن عرب‌شاه، ۲۵۳۶: ۳۰۷). این جواهرات علاوه بر شکوه بخشی به دربار، بر جایگاه سنگ‌های قیمتی به‌عنوان کالاهای ارزشمند تأکید می‌کردند. کلاویخو نیز از ساخت اشیای زینتی در سمرقند با سنگ‌های قیمتی و فلزات گران‌بها یاد می‌کند، از جمله صندوق‌های طلاکاری‌شده با مروارید و میزهایی مزین به زمرد (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۶۹-۲۶۸). رونق صنعت جواهرسازی در سمرقند و توجه ویژه تیمور به تقویت صنایع داخلی، به‌ویژه در حوزه سنگ‌های قیمتی، از این گزارش‌ها آشکار است. یکی از کارها و برنامه‌های حمایتی تیمور از این مشاغل برگزاری جشن‌ها بود. تیمور با برپایی جشن عروسی یکی از نوه‌هایش از کلیه اهالی سمرقند، از جمله جواهرسازان، صنعتگران و اصناف، دعوت کرد تا در اردوگاهی بزرگ گرد هم آیند و کالاهای خود را به نمایش و فروش بگذارند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۴۸-۲۴۹). این رویکرد، نمادی از حمایت تیموریان از صنایع و حرفه‌های مختلف و تقویت تجارت محلی بود. این سنت در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت؛ در سال ۸۶۹ ق/ ۱۴۶۴ م، سلطان ابوسعید جسنی به مناسبت ولادت شاهزاده بایسنقر برگزار کرد که در آن صنعتگران به

نمایش آثار خود پرداختند (روملو، ۱۳۹۴: ۴۳۹). این اقدامات نشان‌دهنده توجه تیموریان به توسعه صنایع محلی و گسترش تجارت سنگ‌های قیمتی در شهر سمرقند است.

براساس گزارش کلاویخو، جواهرفروشان از اصناف مهم در سمرقند عصر تیمور بودند. سیاست‌های حمایتی تیمور از این صنف، علاوه بر افزایش شکوه دربار، به گسترش شبکه‌های تجاری و اقتصادی نیز کمک کرد. بسیاری از اشیای گران‌بهای دربار تیموری، ساخته‌ی هنرمندان درباری سمرقند بودند. در این دوره، هنرمندان به سه گروه درباری، بازاری و ترکیبی تقسیم می‌شدند. هنرمندان بازاری آثار خود را در دکان‌ها یا منازل تولید و عرضه می‌کردند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۴۸-۲۴۹؛ سمائی دستجردی و عابدین‌پور جوشقانی، ۱۳۹۵: ۹۶-۹۷). به نظر می‌رسد اشیای گران‌بهای دربار سمرقند، از جمله سنگ‌های قیمتی و مرواریدها، در کارگاه‌های سلطنتی ساخته می‌شدند. علاوه بر جواهرسازی، در سمرقند سلاح‌هایی نیز تولید می‌شد که برخی از آن‌ها با طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی تزئین شده بودند. این موضوع نشان‌دهنده توجه تیمور به هنرهای تزئینی و استفاده از مواد ارزشمند در ساخت تجهیزات نظامی است (Mukhammadov, 2020: 60).

براساس مطالب فوق، سمرقند به دلایل زیر در توسعه تجارت سنگ‌های قیمتی نقش مهمی ایفا کرد:

۱. موقعیت جغرافیایی: سمرقند به‌عنوان یک مرکز مهم تجاری در مسیر جاده ابریشم، امکان دسترسی به بازارهای مختلف آسیای میانه، چین و هند را فراهم می‌کرد.
۲. حمایت حکومتی: در دوره تیموری به‌خصوص در زمان امیر تیمور از تجارت سنگ‌های قیمتی در سمرقند حمایت می‌کردند و بازارهای محلی و بین‌المللی را گسترش می‌دادند.
۳. تقاضای بالا از سوی طبقات ثروتمند: طبقات بالا و اشراف‌زاده‌ها در این مناطق به‌عنوان مصرف‌کنندگان اصلی، تقاضای زیادی برای سنگ‌های قیمتی داشتند که باعث رشد این تجارت می‌شد.

۴. تخصص در تراش و صیقل: سمرقند به دلیل مهارت‌های هنری و صنعتی در تراش و صیقل سنگ‌های قیمتی، به یکی از قطب‌های تجاری در این حوزه تبدیل شده بود.

علاوه بر سمرقند، هرات نیز از شهرهای مهم تجاری دوره تیموری بود. این شهر در حملات چنگیز و فرزندانش ویران و با کشتار وسیعی مواجه شد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۵۷). در سال ۶۶۳ق/۱۲۶۴م، به دستور اباقاخان بازارهایی در هرات بنا شد (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۳۱۱). او به هنرمندان شهر توجه ویژه‌ای داشت و اموال بسیار به آن‌ها اعطا کرد (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۳۱۵). اوج رونق هرات در دوران شاهرخ، اوایل قرن ۱۵م، رقم خورد که با حمایت‌های او، فعالیت‌های هنری و اقتصادی گسترش یافت (حبیبی، ۱۳۵۵: ۹۱-۹۲). با این حال، برخی وقایع، از جمله طاعون ۸۳۸ ق/۱۴۳۴م، می‌توانسته به اقتصاد شهر، به‌ویژه مشاغل چون تجارت سنگ‌های قیمتی، آسیب برساند و موجب تلفات و مهاجرت گسترده شود (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۹۲). با وجود این، در دوره تیموری، فعالیت صنعتگران و بازرگانان سنگ‌های قیمتی در نواحی شرقی، به‌ویژه هرات و سمرقند، رونق بیشتری نسبت به نواحی غربی داشت. این عوامل نشان می‌دهند که هرات با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی، حمایت‌های حکومتی و رونق دوران شاهرخ، می‌توانسته به مرکزی مهم در تولید و تجارت سنگ‌های قیمتی تبدیل شود. شکوفایی اقتصادی و هنری نیز در کنار ثبات نسبی پس از حملات مغول و رشد مهارت‌های صنعتی، به‌ویژه در جواهرسازی، به این تحول کمک کرده‌است.

نتیجه

در دوره‌های ایلخانی و تیموری، سنگ‌های قیمتی به‌ویژه در بین طبقات بالای اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. کمبود معادن داخلی موجب واردات این سنگ‌ها از کشورهایی مانند چین و هند شد و شبکه‌ای گسترده از تجارت سنگ‌های قیمتی شکل گرفت. نقش مقومان در ارزیابی و قیمت‌گذاری این سنگ‌ها که مبنای تعیین قیمت در سایر مناطق نیز قرار می‌گرفت، بسیار حائز اهمیت بود. علی‌رغم کمبود معادن سنگ‌های قیمتی، ایران به منابع غنی فیروزه و مروارید دسترسی داشت که هم نیاز داخلی را تأمین و هم

امکان صادرات را فراهم می‌کرد. موقعیت جغرافیایی ایران و دسترسی به مسیرهای تجاری نقش کلیدی در توسعه این تجارت داشت. در دوره ایلخانی، تجارت سنگ‌های قیمتی بیشتر در نواحی غربی ایران مانند تبریز متمرکز بود؛ جایی که بازارهای پررونقی برای فروش این سنگ‌ها برپا می‌شد. همچنین مناطق جنوبی مانند هرمز و کیش در صید و پرورش مروارید نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند و مرواریدها برای صادرات در شهر بغداد درجه‌بندی و آماده‌سازی می‌شدند. در دوره تیموری، تجارت سنگ‌های قیمتی به نواحی شرقی ایران مانند سمرقند و هرات انتقال یافت. در این دوره، واردات جواهرات به سمرقند و فعالیت هنرمندان در هرات رونق بیشتری داشت. درعین‌حال، تبریز همچنان به‌عنوان مرکز مهم تجارت در غرب کشور باقی ماند و سلطانیه نیز به یکی از مراکز تجارت مروارید و سنگ‌های قیمتی تبدیل شد. این عوامل نشان می‌دهند که ترکیبی از موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و نقش برجسته مقومان به توسعه تجارت سنگ‌های قیمتی در این دو دوره کمک کرده‌است، به‌گونه‌ای که ایران به یکی از مراکز مهم تجارت سنگ‌های قیمتی در منطقه تبدیل شد.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ هنر*، تهران: المهدی.
- ابن بطوطه (۱۳۷۶)، *سفرنامه ابن بطوطه*، مترجم محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن عرب‌شاه، محمد بن عبدالله دمشقی (۲۵۳۶)، *زندگی شگفت‌آور تیمور*، مترجم محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقبال، عباس (۱۳۸۸)، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، تهران: امیرکبیر.
- اقتداری، احمد (۱۳۴۸)، *آثار شهری سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- بابا پور، یوسف بیگ (۱۳۸۸)، *جواهرنامه (تلخیص تنسوخ‌نامه ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی)*، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- برتشنايدر، امیلی (۱۳۸۱)، *ایران و ماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی سده‌های میانه: جستارهای تاریخی و جغرافیایی*، مترجم هاشم رجب‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بناکتی، فخرالدین ابو سلیمان داوود بن ابی‌الفضل (۱۳۴۸)، *تاریخ بناکتی*، به کوشش جعفر شعار، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- بولنوا، لوس (۱۳۸۳)، *راه ابریشم*، مترجم ملک ناصر نوبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیانی، سوسن و امان‌اللهی وفايي، مهدی (۱۳۸۸)، *جواهرشناسی سنگ‌های قیمتی*، تهران: سمت.

- پرایس کریستین (۱۳۶۴)، *تاریخ هنر اسلامی*، مترجم مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پولو، مارکو (۱۳۵۰)، *سفرنامه مارکوپولو*، مترجم حبیب‌الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- *جواهرنامه* (۱۳۴۳)، به کوشش تقی بینش، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- حافظ ابرو (۱۳۷۵)، *جغرافیای حافظ ابرو*، جلد سوم، با مقدمه و تصحیح صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۵)، *هنر عهد تیموریان و متفرعات آن*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دشتکی، محمد بن منصور (۱۳۳۵)، *گوهرنامه*، مصحح منوچهر ستوده، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی‌طالب انصاری (۱۳۵۷)، *نخبه‌الدهر فی عجائب‌البر و البحر*، مترجم سید طیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۸)، *تسهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، تهران: امیرکبیر.
- روملو، حسن (۱۳۹۴)، *احسن‌التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رویمر و همکاران (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران دوره تیموریان*، مترجم یعقوب آژند، تهران: جامی.
- زاوش، مهدی (۱۳۴۸)، *کانی‌شناسی در ایران قدیم*، تهران: انتشارت بنیاد فرهنگ ایران.
- زکی، محمدحسن (۱۳۸۴)، *چین و هنرهای اسلامی*، مترجم غلامرضا تهامی، تهران: فرهنگستان هنر.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹)، *روضات‌الجنان فی اوصاف مدینه‌الهرات*، مصحح سید محمدکاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- سمائی دستجردی معصومه، عابدین‌پور جوشقانی، وحید (۱۳۹۵)، *هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیفی هروی، سیف بن محمد (۱۳۸۳)، *تاریخ‌نامه هرات*، مصحح غلامرضا طباطبایی، تهران: اساطیر.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۶۳)، *مجمع‌الانساب*، مصحح میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شه‌مردان، ابن‌ابی‌الخیر (۱۳۶۲)، *نزهت‌نامه علایی*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیلت برگر، یوهان (۱۳۹۶)، *سفرنامه یوهان شیلت برگر*، مترجم ساسان طهماسبی، تهران: امیرکبیر.
- طباطبائی، نسرین (۱۳۸۸)، *واژه‌نامه توصیفی طلا و جواهرسازی*، با همکاری انوشه حسابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طوسی، محمد بن محمد بن حسن (۱۳۶۳)، *تنسوخ‌نامه ایلخانی*، با مقدمه و تعلیقات سید محمدتقی مدرس رضوی، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود کمونی (۱۳۹۰)، *عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات* (با ترجمه ناشناس)، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۴۵)، *عرایس‌الجواهر و نقایس‌الاطایب*، به کوشش ایرج افشار، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۴۸)، *تاریخ‌الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کاوتس، رالف، پتاک، رودیش (۱۳۸۳)، *هرمز در منابع دوره‌های یون و مینگ*، مترجم مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلاویخو. (۱۳۴۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- گروسه، رنه. (۱۳۶۵)، *امپراطوری صحرائنوردان*، مترجم عبدالحسین میکده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۳۶)، *مقاله سوم نزهه‌القلوب*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲)، *نزهه‌القلوب*، تهران: دنیای کتاب.
- میرخواند، محمد بن خواندشاه. (۱۳۳۹)، *تاریخ روضه‌الصفاء*. تهران: خیام.
- وصاف‌الحضره. (۱۳۴۶)، *تحریر تاریخ وصاف*، به تصحیح عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ کتاب.

مقاله‌ها

- اسکندری‌راد، سلیمان و رنجبر، محمدعلی (۱۴۰۳)، «بررسی اهمیت و جایگاه هرموز در هنر و تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموریان (از ۷۸۹ ه ق تا ۸۵۶ ه ق)»، *مطالعات هنر اسلامی*. ۲۱(۵۴)، ۷۴-۸۸. Doi: 10.22034/ias.2023.418494.2296
- پوربختیاری، فاطمه و بحرانی‌پور، علی (۱۳۹۵)، «سهم تبریز در رونق اقتصادی دوران ایلخانان با تکیه بر تجارت جواهرات»، *جندی‌شاپور دانشگاه شهید چمران اهواز*. (۵).
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۹۰)، «اهمیت جزیره کیش در بازرگانی خلیج فارس و دریای عمان در عصر مغول». *تاریخ روابط خارجی*، (۴۹)، ۸۴-۵۹.
- دین‌پرست، ولی. (۱۳۹۱)، «سیاست‌های تجاری تیمور و پیامدهای آن»، *تاریخ ایران*، (۱)۶، ۱۴۶-۱۲۳.
- فرشیدنیا، مسعود، و حامدی، زهرا. (۱۳۹۷)، *بررسی وضعیت اقتصادی خلیج فارس در دوره ایلخانی، تخصصی مطالعات خلیج فارس*. (۱)۴، ۳۷-۳۵.

پایان‌نامه‌ها

- پوربختیاری، فاطمه (۱۳۹۶)، *تولید و تجارت جواهرات از ابتدای دوره غزنویان تا پایان دوره ایلخانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

ب) منابع انگلیسی

- Gill, M. (2021). A Cultural Biography of Pearls in the Ilkhanate (1260-1335), *International Journal of Business and Globalisation*, 27(2), 171-183.
- May, T., & Hope, M. (2022). *The Mongol World*. Taylor & Francis.
- Mukkhammedov, M. (2020). Empire of Timur and its Role in the Economic Development of Maverannah, *American Journal of Social and Humanitarian Research*, 1(2), 46-70.